

مشاغل خانگی؛ فرصت زنان برای استقلال مالی

با نگاهی به گزارش سیاستی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مشخص می شود زنان بیش از ۸۰ درصد نیروی کار خانگی ایران را تشکیل می دهند و ظرفیت بالایی برای اشتغال و توانمندسازی دارند



▲ عکس تزئینی است

در سال های اخیر، بیکاری و کاهش فرصت های شغلی فشار فزاینده ای بر خانواده های ایرانی وارد کرده است. در چنین شرایطی، توسعه مشاغل خانگی می تواند به ویژه برای زنان، به یکی از مؤثرترین راهکارهای ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و تقویت عدالت اجتماعی تبدیل شود. زنان سرپرست خانوار، دختران جوان جویای کار و بانوان ساکن در مناطق محروم، بیش از دیگران به این عرصه وابسته اند؛ زمانی که با وجود محدودیت های اقتصادی، فرهنگی و ساختاری، تلاش می کنند استقلال مالی خود را حفظ کرده و در عین حال سهمی در پیشبرد اقتصاد خانواده و جامعه داشته باشند. در گزارش سیاستی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با عنوان «توسعه مشاغل خانگی؛ لزوم تنظیم گری دولت و پشتیبانی واسطه های محلی» که در پژوهشکده سیاست گذاری دانشگاه شریف تدوین شده، الگوهای داخلی و بین المللی توسعه مشاغل خانگی بررسی شده است. این گزارش، بر ضرورت ایجاد نظامی منسجم برای سیاست گذاری، نظارت و پشتیبانی از مشاغل خانگی تأکید دارد.

اهمیت توسعه مشاغل خانگی

بر پایه آمارهای رسمی، حدود ۸۰ درصد نیروی کار خانگی در ایران از زنان تشکیل می دهند؛ رقمی که به مراتب بالاتر از میانگین جهانی است. این واقعیت نشان می دهد که اشتغال خانگی نه تنها یک مسیر جایگزین برای اشتغال رسمی بلکه بستری جدی برای حضور اقتصادی و اجتماعی زنان به شمار می آید. از همین رو، حمایت از این حوزه نه فقط اقدامی اقتصادی بلکه سیاستی اجتماعی برای تقویت عدالت جنسیتی و کاهش نابرابری هاست. قانون «ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی» مصوب سال ۱۳۸۹ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را موظف کرد تا زیرساخت های لازم برای گسترش این نوع اشتغال را فراهم کند. در پی آن، طرح های متعددی از جمله طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، شکل گرفت که هدفشان فراهم کردن امکان فعالیت اقتصادی در محیط خانه، بدون نیاز به سرمایه گذاری کلان یا وابستگی به کارفرمایان بزرگ بود. این طرح ها تا حدی توانستند مسیر را برای ورود زنان به فعالیت های اقتصادی هموار کنند، اما چالش ها همچنان جدی است.

بسیاری از زنان فعال در این حوزه از کمبود آموزش های

فنی و بازاریابی، نبود پوشش بیمه ای، و دشواری در فروش محصولات خود سخن می گویند. در برخی مدل های حمایتی نیز تمرکز بیش از اندازه بر تأمین مالی، نقش آموزش و توانمندسازی را کم رنگ کرده است. از سوی دیگر، نبود یک نظام سیاست گذاری جامع و هماهنگ موجب شده است که مشاغل خانگی، با وجود ظرفیت بالا، هنوز جایگاه شایسته ای در اقتصاد ملی پیدا نکنند. با این حال، توسعه مشاغل خانگی فراتر از یک سیاست اقتصادی است؛ این پدیده راهکاری اجتماعی برای ارتقای کرامت انسانی و توانمندسازی زنان به شمار می رود. هر زن سرپرست خانواری که بتواند با دسترنج خود چراغ خانه اش را روشن نگه دارد، نه تنها از چرخه فقر خارج می شود بلکه از وابستگی به حمایت های دولتی نیز می کاهد. هر دختر جوانی که در اتاق کوچک خانه اش کسب و کاری را آغاز می کند، در واقع به زنجیره تولید ملی می پیوندد و روح کارآفرینی را در جامعه زنده نگه می دارد. دولت می تواند با سه اقدام کلیدی، این مسیر را پایدار کند: آموزش های هدفمند و کاربردی، بیمه های حمایتی مؤثر، و اتصال ساختاری مشاغل خانگی به بازار رسمی. در چنین حالتی، مشاغل خانگی نه فقط به اشتغال زایی برای زنان می انجامد بلکه به تقویت سرمایه اجتماعی، افزایش عزت نفس خانوارهای کم درآمد و کاهش آسیب های ناشی از فقر و بیکاری کمک خواهند کرد.

ضعف یکپارچگی و اثر محدود طرح ها

بر اساس گزارش سازمان بین المللی کار، در سال ۲۰۱۹ بیش از ۲۶۰ میلیون نفر در ۱۱۸ کشور جهان در مشاغل خانگی فعالیت داشته اند؛ یعنی حدود ۷۰ درصد از کل اشتغال جهانی. این آمار نشان می دهد بخش قابل توجهی از نیروی کار جهان، به دلیل محدودیت در دسترسی به بازارهای رسمی یا تمایل به انعطاف پذیری بیشتر، به اشتغال خانگی روی آورده اند. در ایران نیز از زمان تصویب قانون حمایت از مشاغل خانگی در سال ۱۳۸۹، توسعه این بخش در دستور کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار گرفت. در پی آن، طرح هایی چون «طرح ملی توسعه مشاغل خانگی»، «طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار» و «طرح حمایت از خانواده های زندانیان» اجرا شد تا امکان فعالیت اقتصادی در محیط خانه فراهم شود.

با این حال، مرور تجربه یک دهه اخیر نشان می دهد پراکندگی نهادی، نبود سیاست گذاری منسجم و ضعف در نظارت، مانع از اثربخشی کامل این برنامه ها شده است. در نتیجه، مشاغل خانگی با وجود ظرفیت بالا برای اشتغال زایی و توانمندسازی اقتصادی، هنوز جایگاه بایسته خود را در ساختار اقتصادی کشور نیافته اند و نیازمند بازنگری در سیاست ها و سازوکارهای حمایتی اند.

الگوهای داخلی و تجربه جهانی

بر اساس اطلاعات موجود در گزارش سیاستی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، پنج الگوی داخلی توسعه مشاغل خانگی شامل الگوی وزارت تعاون، بانک رسالت، جهاد دانشگاهی، مؤسسه خدمات مالی خرد (تاک) و بنیاد برکت مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج نشان می دهد که هر یک از این الگوها بر موضوع خاصی تمرکز دارند. برای نمونه وزارت تعاون بر توانمندسازی مالی و حمایت ساختاری، بانک رسالت بر وام دهی خرد و راهبری اجتماعی، جهاد دانشگاهی بر آموزش و مهارت آموزی، مؤسسه تاک بر تشکیل گروه های خودیار و نظام مالی درون گروهی و بنیاد برکت بر توانمندسازی محلی و فقرزدایی در مناطق محروم تأکید دارد. با وجود تفاوت ها، همه این الگوها فاقد نظام یکپارچه تنظیم گری و نظارت بر فرایند توسعه مشاغل خانگی بوده اند.

در بخش دوم گزارش، نمونه های موفق بین المللی مانند بانک گرامین در بنگلادش، برنامه توسعه مشاغل خرد در نیپال و جنبش یک روستایک محصول (OVOP) در ژاپن معرفی شده اند. مدل گرامین با محوریت وام های خرد بدون وثیقه و مدیریت گروهی، موفق شده است میلیون ها زن را از فقر خارج کند و امروز ۹۶ درصد وام گیرندگان زن هستند. در نیپال نیز برنامه ای مشابه با همکاری سازمان ملل از سال ۱۹۹۸ اجرا می شود که بر ایجاد کسب و کارهای خرد خانوادگی، آموزش مهارت و تأمین مالی خرد تمرکز دارد. الگوی ژاپنی نیز با تأکید بر ارزش های محلی، خلاقیت و شبکه سازی، توانسته است اقتصاد روستاها را احیا کند.

الگوهای پیشنهادی

بر پایه نتایج پژوهش، چهار الگوی پیشنهادی برای توسعه مشاغل خانگی در ایران ارائه شده است. نخست؛ الگوی

کارآفرینی محور که بر اساس آن بر آموزش تسهیلگران، توانمندسازی متقاضیان و اتصال به زنجیره ارزش از طریق سکوهای فروش آنلاین تأکید شده است. دوم الگوی پشتیبان/پیشران محور است که در این الگو بر نقش پشتیبانان محلی و نهادهای واسطه که متقاضیان را به بازار و شبکه های فروش متصل می کنند تمرکز شده است. الگوی سوم، الگوی صنعت محور است که هدف آن پیوند صنایع بزرگ با مشاغل خانگی از طریق قراردادهای کاری، آموزش استاندارد و تأمین مواد اولیه است. در الگوی چهارم نیز بر موضوع اجتماع تکیه شده است. بر اساس الگوی اجتماع محور تشکیل گروه های خودیار، پس انداز گروهی و ایجاد نظام مالی مبتنی بر اعتماد و خودتکایی در جوامع محلی حائز اهمیت است.

بر اساس تحقیقات صورت گرفته مشخص شد هر یک از این الگوها بسته به شرایط منطقه ای می تواند به کار گرفته شود و در نهایت، به ایجاد نظامی منسجم برای توانمندسازی، تأمین مالی و پایداری مشاغل خانگی بینجامد. همچنین بر تکیه بر داده های استخراج شده می توان نتیجه گرفت که دولت باید نقش تنظیم گر، سیاست گذار و ناظر را ایفا کند و از مداخله مستقیم در اجرا بپرهیزد. تهیه خط مشی های کلان، مذاکره با بازیگران بزرگ اقتصادی و ایجاد بسترهای حمایتی، از جمله وظایف دولت در این حوزه است. البته حلقه های واسطه مانند پشتیبانان، پیشرانان و تسهیلگران محلی باید محور اصلی اجرای طرح ها باشند؛ حلقه هایی که به گفته گزارش، «از جنس مردم محلی» هستند و می توانند میان ظرفیت های اجتماعی و اقتصادی منطقه با سیاست های ملی پیوند برقرار کنند.

نکته طلایی در این گزارش این است که وزارت تعاون بر ضرورت توانمندسازی و استقلال اقتصادی خانواده ها تأکید کند، زیرا توسعه پایدار مشاغل خانگی بدون اعتمادسازی، آموزش مستمر، و پیوند میان بخش های رسمی و غیررسمی اقتصاد ممکن نیست. البته این الگوها اگر با رویکرد اجتماع محور و با نظارت هوشمند دولت اجرا شوند، می توانند به کاهش فقر، افزایش اشتغال پایدار و تقویت سرمایه اجتماعی در ایران منجر شوند.

راهبردهای کاهش نابرابری

توسعه مشاغل خانگی یکی از مؤثرترین ابزارها برای گسترش عدالت اجتماعی به شمار می رود، زیرا با کاهش شکاف های اقتصادی، ایجاد فرصت های برابر و توانمندسازی گروه های محروم، توزیع درآمد و فرصت ها را عادلانه تر می کند. این مشاغل به ویژه زمینه دسترسی برابر به بازار کار را برای گروه هایی فراهم می کنند که به دلایل فرهنگی، جغرافیایی یا محدودیت های ساختاری، امکان حضور در اشتغال رسمی را ندارند؛ از جمله زنان خانه دار، سالمندان، افراد دارای معلولیت و ساکنان مناطق روستایی. در نتیجه، این گروه ها می توانند سهمی از درآمد و تولید ملی داشته باشند و استقلال مالی خود را افزایش دهند. توسعه مشاغل خانگی همچنین به کاهش فقر و نابرابری های منطقه ای کمک می کند. حمایت از تولیدات محلی و صنایع کوچک خانگی فرصت های اقتصادی را به مناطق کم برخوردار می برد و تمرکز اشتغال را از کلان شهرها به شهرستان ها و روستاها منتقل می کند. این روند، مهاجرت معکوس را تسهیل و پایداری جمعیت در مناطق کمتر توسعه یافته را تقویت می کند. افزون بر این، مشاغل خانگی سرمایه اجتماعی را افزایش می دهند و حس تعلق و همبستگی در جامعه محلی را تقویت می کنند. افراد در قالب شبکه های تولید و فروش، همکاری های گروهی و طرح های مشارکتی، اعتماد و همیاری متقابل را تجربه می کنند که خود یکی از پایه های عدالت اجتماعی است. در بعد فرهنگی و روانی، توانایی تأمین بخشی از نیازهای خانواده از طریق فعالیت های خانگی، کرامت انسانی، عزت نفس و احساس مفید بودن را بالا می برد و محرومیت اجتماعی را کاهش می دهد.

به طور کلی، مشاغل خانگی پلی میان عدالت اقتصادی و اجتماعی هستند؛ زیرا علاوه بر ایجاد درآمد، ساختارهای مشارکتی و فرصت های برابر را تقویت کرده و به شکل گیری جامعه ای عادلانه تر، متوازن تر و پایدارتر کمک می کنند. اشتغال زنان فراتر از یک هدف اقتصادی صرف، ستون عدالت، دموکراسی اجتماعی و رفاه خانواده ها است. ایران با سیاست گذاری هدفمند و اصلاح نظام حمایتی می تواند از ظرفیت زنان برای توسعه اقتصادی و اجتماعی بهره برد. هر اقدام در جهت ارتقای وضعیت زنان شاغل، کاهش فقر، افزایش عزت نفس و ثبات خانواده ها را به همراه دارد و این پیامدها نه تنها زنان، بلکه کل جامعه را پیش می برد. بنابراین، توسعه مشاغل خانگی یکی از مسیرهای مؤثر برای اشتغال زنان و تقویت عدالت اجتماعی در کشور است.



یادداشت
O P I N I O N



حمید حاج اسماعیلی

کارشناس بازار کار

نقش زنان

در اقتصاد غیررسمی

در شرایطی که بازار کار ایران زیر فشار تورم، تحریم و رکود قرار دارد و بخش غیررسمی به سرعت در حال گسترش است، مشاغل خانگی به عنوان یکی از مؤثرترین راهکارهای حفظ اشتغال و پایداری اقتصادی مطرح شده اند. تجربه جهانی نشان می دهد که بخش عمده این مشاغل را زنان بر عهده دارند و در ایران نیز، به ویژه برای زنان سرپرست خانوار، این فعالیت ها نقش حیاتی در معیشت و استقلال اقتصادی ایفا می کنند.

زمانی که اقتصاد با بحران یا ناپایداری روبه رو می شود، زمینه برای رشد فعالیت های غیررسمی و کاهش کیفیت تولید فراهم می گردد. در چنین شرایطی، سیاست های حمایتی دولت و همکاری بخش خصوصی می تواند به سمت سامان دهی و توسعه مشاغل خانگی هدایت شود؛ فعالیت هایی که نه تنها اشتغال را حفظ می کنند، بلکه هزینه های تولید و مصرف انرژی و حمل و نقل را نیز کاهش می دهند. از مهم ترین مزایای مشاغل خانگی، انعطاف پذیری بالا و امکان تولید در محیط خانواده است. افراد می توانند در حوزه هایی مانند صنایع دستی، پوشاک، مواد غذایی یا خدمات اینترنتی بدون نیاز به محل کار سنتی فعالیت کنند. گسترش اقتصاد دیجیتال نیز زمینه ای تازه برای کار از خانه فراهم کرده است، به ویژه برای فارغ التحصیلان و جوانانی که دسترسی آنان به اینترنت دارند.

بسیاری از واحدهای تولیدی نیز بخشی از فعالیت خود را به خانه ها واگذار می کنند تا هزینه هایشان کاهش یابد و سرعت کار بالا رود؛ روندی که در صنعت پوشاک و نساجی بسیار رایج است. با این حال، رشد پایدار این فعالیت ها به نیازمند سازماندهی و برنامه ریزی دولتی است. دولت می تواند از طریق آموزش های فنی، مشاوره شغلی و شناسایی ظرفیت های محلی، این بخش را به شکلی ساختارمند توسعه دهد. یکی از پیش شرط های موفقیت در این مسیر، ایجاد بازارچه های محلی و نمایشگاه های دائمی برای عرضه محصولات خانگی است. وجود این بازارها نه تنها به فروش محصولات کمک می کند، بلکه انگیزه تولیدکنندگان را افزایش می دهد و به رونق گردشگری و اقتصاد شهری یاری می رساند. بدون بازار مشخص، تلاش فعالان خانگی غالباً بی ثمر می ماند. زنان سرپرست خانوار که سهم عمده ای در مشاغل خانگی دارند، نیازمند حمایت ویژه هستند. ارائه تسهیلات، آموزش و بیمه به آنان می تواند به بهبود وضعیت معیشت خانواده، ارتقای مشارکت اجتماعی و کاهش آسیب های توسعه این نوع فعالیت ها موجب تقویت حس استقلال زنان و افزایش حضور آنان در عرصه اقتصادی می شود.

در مجموع، مشاغل خانگی نه تنها ابزاری برای گذر از شرایط سخت اقتصادی اند، بلکه به عنوان راهبردی پایدار در توسعه محلی و مشارکت اجتماعی نیز عمل می کنند. سیاست گذاران باید با فراهم کردن آموزش های کاربردی، دسترسی به بازار و حمایت های مالی و بیمه ای، این بخش را به یکی از ستون های مقاوم اقتصاد ملی بدل کنند.